تازه‌های اقتصاد
سه‌شنبه ۵ خرداد ۱۴۰۵ شماره ۴۱

پول‌های بلوکه‌شده ماکجاست؟

بررسی وضعیت دارایی‌های ارزی ایران در خارج از کشور نشان می‌دهد که دهه‌ها پس از آغاز نخستین توقیف اموال ایران در پی ماجرای تسخیر سفارت آمریکا، هنوز بخش عمده‌ای از ثروت ملی ایران در حساب‌های بین‌المللی تحت تدابیر سختگیرانه و تحریم‌های آمریکا قرار دارد. برآوردها درباره رقم دقیق این دارایی‌ها متفاوت است؛ در حالی که برخی گزارش‌ها اعدادی در حدود ۱۰۰ میلیارد دلار را تخمین می‌زنند، آمار رسمی تایید شده حکایت از پراکندگی میلیاردها دلار در کشورهای مختلف دارد. از جمله این موارد می‌توان به ۱.۵ میلیارد دلار در ژاپن، ۷ میلیارد در هند، ۱.۶ میلیارد در لوکزامبورگ و دست‌کم ۲ میلیارد دلار در خاک آمریکا اشاره کرد.

در میان این پرونده‌های متعدد، ماجرای دارایی‌های ایران در کره جنوبی به یکی از پرچالش‌ترین سوژه‌های دیپلماتیک تبدیل شد. ایران حدود ۷ میلیارد دلار بابت فروش میعانات گازی از کره طلب داشت که سرانجام در سال ۱۴۰۲ و در قالب توافق تبادل زندانیان، این مبلغ که پس از تبدیل واحدهای پولی به حدود ۶ میلیارد دلار کاهش یافته بود، آزاد و به حساب‌های بانکی در قطر منتقل شد. اگرچه مقرر بود این مبالغ صرف خرید کالاهای بشردوستانه شود، اما پس از وقایع ۷ اکتبر ۲۰۲۳، دسترسی ایران به این منابع دوباره با محدودیت‌های جدی مواجه شد و سرنوشت این پول‌ها بار دیگر به کلاف سردرگم روابط سیاسی گره خورد.



یادداشت روز

بازخوانی موفق‌ترین اصلاح اقتصادی دهه اخیر

■ علی رهبر
رئیس هیات مدیره موسسه بازار پول و ارز

سال‌ها بود نظام ارز ترجیحی (با نرخ‌های ۴۲۰۰ تومانی و بعد ۲۸۵۰۰ تومانی) به جای حمایت واقعی از سفره مردم، به یکی از بزرگ‌ترین منابع رانت، فساد و نشت منابع ارزی کشور تبدیل شده بود. آمارهای بانک مرکزی روایت تلخی از این ناکارآمدی است: در نیمه اول سال ۱۴۰۴، فقط ۲۰ شرکت نیمی از کل ارز ترجیحی تخصیص‌یافته را جذب کردند و شش شرکت بیش از ۱.۱ میلیارد دلار از این ارز را به خود اختصاص دادند. یعنی یارانه‌ای که قرار بود کالاهای اساسی را ارزان کرده و سفره مردم را گرم کند، عملاً در مسیر توزیع و در جیب واسطه‌ها ذوب می‌شد و به دست مصرف‌کننده نهایی نمی‌رسید. اما از دی‌ماه ۱۴۰۴، دولت با شجاعت و تدبیر، این نابه‌سامانی بزرگ را یک‌بار برای همیشه اصلاح کرد.

برای اولین بار، یارانه از ابتدای زنجیره (واردکننده و تولیدکننده) به انتهای زنجیره یعنی مصرف‌کننده نهایی منتقل شد. هر ایرانی ماهانه یک میلیون تومان کالابرگ دریافت کرد تا بدون نگرانی از افزایش قیمت، کالاهای اساسی خود را تهیه کند. این اصلاح بزرگ تا پایان اسفند ۱۴۰۴ موفق بود و در ادامه با آغاز جنگ تحمیلی در سال ۱۴۰۵ شوک بیرونی جنگ زنجیره‌های تأمین را مختل کرد، اما دولت با مدیریت فعالانه از سفره مردم محافظت نمود.

ادامه مطلب را در لینک بخوانید

بازسازی واحدهای آسیب‌دیده پتروشیمی وارد فاز عملیاتی شد

ستاد جنگ اقتصادی در اتاق بازرگانی ایران تشکیل شد

بیش از ۸۶ درصد متقاضیان موفق به اخذ تسهیلات ازدواج شده‌اند

بانک مرکزی در نشست سازمان همکاری شانگهای حضور خواهد داشت

تازه‌های اقتصاد | سه‌شنبه ۵ خرداد ۱۴۰۵ شماره ۴۱

نظارت بر جریان پول در بازار مسکن کلید خورد

سامانه ساماندهی اسناد غیررسمی با شفاف‌سازی معاملات ملکی، چشم بانک مرکزی را به جریان پول حاصل از خرید‌وفروش قولنامه‌ای باز می‌کند.

باآغازرسمی فعالیت سامانه ساماندهی اسناد غیررسمی موسوم به «ساغر»، یکی از مهم‌ترین پروژه‌های حقوقی و ثبتی سال‌های اخیر وارد فاز اجرایی شد؛ سامانه‌ای که قرار است تکلیف میلیون‌ها ملک، زمین و سند عادی را روشن کند و به یکی از ریشه‌ای‌ترین مشکلات بازار املاک در ایران پایان دهد.

قوه قضاییه و سازمان ثبت اسناد معتقدند اجرای کامل این سامانه می‌تواند نقطه عطفی در مقابله با زمین‌خواری، پرونده‌های سنگین ملکی، معاملات معارض و بی‌نظمی در حوزه مالکیت باشد؛ مشکلی که سال‌ها بخش قابل توجهی از پرونده‌های قضایی کشور را به خود اختصاص داده است.

از سوی دیگر سامانه ساغر صرفاً یک ابزار ثبتی برای ساماندهی اسناد غیررسمی نیست؛ بلکه می‌توان آن را ابزار نظارتی بانک مرکزی بر جریان پول در بازار مسکن دانست. تا پیش ازاین، معاملات انجام‌شده با قولنامه و اسناد عادی، عمدتاً خارج از شفافیت سامانه‌های پولی و بانکی انجام می‌شد. حجم بالای پولی که در این معاملات جابه‌جا می‌گردد، عملاً از چشم نهاد تنظیم‌گر بازار پول پنهان می‌ماند. ساغر با الزام به ثبت معاملات و شفاف‌سازی هویت طرفین و مبلغ معامله، این امکان را برای بانک مرکزی فراهم می‌کند که جریان‌های مالی ناشی از خرید‌وفروش املاک را نیز رصد و پایش کند.

به عبارت دقیق‌تر، سامانه ساغر به کمک بانک مرکزی می‌آید تا نظارت بر پول از مسیر معاملات ملکی نیز ممکن شود. این همگرایی میان نظام ثبتی و نظام پولی، دو دستاورد مهم دارد: نخست، کنترل بهتر بر منابع حاصل از معاملات بزرگ ملکی و کاهش احتمال پولشویی؛ دوم، فراهم شدن داده‌های واقعی از حجم نقدینگی واردشده به بازار مسکن که به سیاست‌گذاری پولی و اعتباری بانک مرکزی دقت و عمق بیشتری می‌بخشد.



از پارس جنوبی تا چهارراه استانبول

افت ۲۰ درصدی تولید گاز چگونه بر بازار ارز فشار می‌آورد؟



کاهش ۲۰ درصدی تولید گاز با توقف صادرات صنایع پتروشیمی و بلعیدن سوخت‌های مایع ارزآور در داخل، مستقیماً عرضه ارز را محدود کرده و ثبات ریال را در میانه جنگ اقتصادی هدف قرار داده است؛ بحرانی که مدیریت مصرف خانگی را به تنها سنگر دفاع از ارزش پول ملی تبدیل می‌کند.

واکاوی پیامدهای اقتصادی جنگ تحمیلی اخیر نشان می‌دهد که هدف‌گذاری تخریب زیرساخت‌های انرژی، فراتر از یک آسیب فیزیکی، بخش تأمین منابع ارزی کشور را نشانه رفته است. برآوردهای کارشناسی حکایت از آن دارد که افت ۲۰ درصدی تولید گاز در پالایشگاه‌های پارس جنوبی، زنجیره‌ای از واکنش‌های اقتصادی را فعال کرده که در انتهای آن، فشار مستقیم بر ریال و جهش تقاضا در بازار ارز خودنمایی می‌کند.

ارتباط میان ناترازی انرژی و ثبات بازار ارز در ایران، از دو کانال کاهش عرضه ارز و افزایش تقاضای ارزی عبور می‌کند: بخش عمده‌ای از صادرات غیرنفتی ایران متعلق به صنایع انرژی‌بر نظیر پتروشیمی و فولاد است. این واحدها برای تداوم تولید، به گاز به عنوان خوراک وابسته هستند.

ناترازی فعلی، دولت را بر سر دوراهی قطع گاز منازل یا صنایع قرار داده است؛ انتخابی که در صورت منجر شدن به توقف فعالیت کارخانه‌ها، به معنای کاهش مستقیم ورودی ارز و در نتیجه، تضعیف ابزارهای مداخله‌ای بانک مرکزی خواهد بود.

از سوی دیگر با کاهش تولید گاز، نیروگاه‌ها و صنایع برای جلوگیری از توقف کامل، به سمت مصرف سوخت‌های جایگزین مانند گازوئیل و مازوت کوچ می‌کنند. این تغییر رویه، به معنای خروج میلیاردها دلار سرمایه از سبد صادراتی سوخت مایع کشور است. در واقع، سوختی که می‌توانست به عنوان کالایی ارزآور صادر شود، اکنون در داخل کشور دود می‌شود و در سناریوهای بدبینانه، کشور را با ریسک واردات سوخت و فشار مضاعف بر ذخایر ارزی مواجه می‌سازد.

تازه‌های اقتصاد | سه‌شنبه ۵ خرداد ۱۴۰۵ شماره ۴۱

۴۹۹ همت هزینه‌های صندوق بازنشستگی از بودجه دولت تامین می‌شود



سال گذشته صندوق بازنشستگی با بودجه ۵۳۱ هزار میلیارد تومانی بسته شد که فقط ۷۰ هزار میلیارد تومان از این مبلغ توسط خود صندوق تامین شد و بیش از ۴۶۱ هزار میلیارد تومان را دولت از بودجه عمومی کشور به این صندوق پرداخت کرد تا حقوق بازنشستگان را واریزکند.

با توجه به اینکه این صندوق یک میلیون و ۷۸۹ هزار و ۶۷۱ نفر بازنشسته و مستمری بگیر دارد؛ بودجه‌ای که اشاره شد به نسبت‌های مختلف بین این افراد تقسیم می‌شود، اما در صورتی که بودجه ۵۳۱ هزار میلیارد تومان را به طور مساوی بین بازنشسته‌های صندوق تقسیم کنیم این صندوق ۲۹۶ میلیون تومان به ازای هر بازنشسته درسال هزینه می‌کند.

بر اساس آمار اعلامی صندوق بازنشستگی کشور این صندوق در سال گذشته، هر ماه بیش از ۳۳۰ میلیارد تومان بابت حقوق ۶ هزار نفرکه دریافتی آنها بیشتراز۵۵ میلیون تومان است پرداخت کرده است. رقم محاسبه شده با لحاظ کف دریافتی این افراد یعنی همان ۵۵ میلیون تومان به دست آمده است؛ بنابراین با احتساب دریافتی‌های بیشترکه بین ۶۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان و یا حتی بیشتر است، رقم پرداختی صندوق بازنشستگی به این افراد از ۳۳۰ میلیارد تومان درماه فراترخواهد رفت.

صندوق بازنشستگی کشور یکی از صندوق‌های ورشکسته محسوب می‌شود و در سال جاری برای پرداخت حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران خود ۴۹۹ هزار میلیارد تومان کمک زیان ازبودجه عمومی دریافت می‌کند.

بررسی جزئیات پرداختی‌های صندوق بازنشستگی نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۴، بیش از یک چهارم از بازنشستگان در سال گذشته بین ۲۰ میلیون تا ۲۳ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان از صندوق حقوق دریافت کرده‌اند. تعداد این افراد ۴۵۱ هزار و ۸۸۱ نفر گزارش شده است.

کدام بانک‌ها در نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام کم‌ریسک‌ترند؟

بررسی نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام ۱۶ بانک بورسی نشان می‌دهد که بانک ملت با کمترین میزان این نسبت، کم‌ریسک‌ترین بانک در میان رقباست.

یکی از موضوعات حساس در صنعت بانکداری، مدیریت ریسک است. یکی از ابزارهای شناخت ریسک در صورت‌های مالی بانک‌ها، معیار «بدهی» محسوب می‌شود.

نسبت‌های مختلفی برای سنجش میزان بدهی و ریسک وجود دارد که در این میان «نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این نسبت از تقسیم مجموع بدهی‌ها بر حقوق صاحبان سهام به دست می‌آید؛ هر چه این عدد بزرگتر باشد، ریسک بانک بالاتر است.

در گزارش پیش‌رو، نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام ۱۶ بانک بورسی مورد بررسی قرارگرفته است.

بر اساس داده‌ها بانک صادرات با نسبت ۱۶۶۱ درصدی در جایگاه بالایی قرار دارد. این رقم یعنی بدهی‌های این بانک تقریباً ۱۶ برابر حقوق صاحبان سهام آن است.

بانک پارسیان با نسبت ۱۰۴۸ درصدی مواجه است؛ به این معنا که بدهی آن حدود ۱۰ برابر حقوق صاحبان سهام است؛ بنابراین بانک صادرات نسبت به بانک پارسیان ریسک بیشتری دارد.

کم‌ریسک‌ترین بانک از این نظر، بانک ملت است که نسبت بدهی آن حدود ۵ برابر حقوق صاحبان سهام است.

در مقابل، پرریسک‌ترین بانک (بدون احتساب بانک‌های با نسبت منفی) بانک سامان است که بدهی آن تقریباً ۲۲ برابر حقوق صاحبان سهام گزارش شده است.

سه بانک سرمایه، ملل و دی دارای نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام منفی هستند. دلیل این امر، منفی بودن حقوق صاحبان سهام این بانک‌هاست. به عبارت دیگر، این مؤسسات جزو پرریسک‌ترین بانک‌ها محسوب می‌شوند.

چنانچه ۳بانک یادشده (با نسبت منفی) را از محاسبه حذف کنیم، میانگین نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام در میان ۱۳ بانک بورسی باقیمانده به ۱۰۴۰ درصد می‌رسد که عددی بالا ارزیابی می‌شود. به عبارت دیگر، به طور میانگین بدهی هر یک از این ۱۳ بانک، حدود ۱۰ برابر حقوق صاحبان سهام آنهاست.



تازه‌های اقتصاد
سه‌شنبه ۵ خرداد ۱۴۰۵ شماره ۴۱

واکنش سبز بورس‌های جهان به سیگنال‌های تهران ـ واشنگتن



هفته معاملاتی در بازارهای بین‌المللی با شکسته شدن یکی از سخت‌ترین بن‌بست‌های ژئوپلیتیک آغاز شد. در حالی که معامله‌گران خود را برای یک تابستان داغ و پرنوسان آماده می‌کردند، سیگنال‌های مثبت از واشنگتن درباره پیشرفت مذاکرات غیرمستقیم با تهران، مانند آب سردی بر آتش قیمت‌ها عمل کرد.

محور این تحول، «تنگه هرمز» بعنوان شاهرگی است که یک‌پنجم انرژی مصرف جهان از آن عبور می‌کند. از این رو هرگونه توافق بر سر این منطقه، فراتر از یک پیروزی دیپلماتیک، به معنای بازگشت ثبات به زنجیره تأمین انرژی جهان است.

واکنش بازار نفت به اخبار دیپلماتیک، سریع و تهاجمی بود. بهای نفت خام برنت با ریزش سنگین ۵.۸۱ درصدی به سطح ۹۴.۸ دلار عقب‌نشینی کرد. سقوطی که رویترز، آن را نشان‌دهنده خروج «پرمیم ریسک ژئوپلیتیک» از قیمت‌ها دانست.

این در حالی است که خوش‌بینی‌ها نسبت به توافق برای بازگشایی کامل مسیرهای کشتیرانی، نگرانی از اختلال در عرضه اوپک را به حداقل رسانده است.

طبق مدل‌های اقتصادی فایننشال تایمز، تداوم قیمت نفت زیر ۱۰۰ دلار، فشار تورمی را در کشورهای مصرف‌کننده (به‌ویژه اتحادیه اروپا) کاهش داده و به بانک‌های مرکزی اجازه می‌دهد تا از سیاست‌های انقباضی تهاجمی فاصله بگیرند.

سقوط از بالای برج خلیفه



سال‌هاست که دستگاه تبلیغاتی عظیم امارات متحده عربی، با صرف بودجه‌های نجومی در معتبرترین رسانه‌های جهان، تصویری از یک «معجزه اقتصادی» را به افکار عمومی تزریق می‌کند. تماشای آسمان‌خراش‌های سر به فلک کشیده دبی، جزایر مصنوعی که از فضا دیده می‌شوند و بورس‌هایی که ظاهراً مدام در حال رشد هستند، هر ناظری را به تحسین وامی‌دارد. اما حقیقت، آن چیزی نیست که در بیلبوردهای تبلیغاتی فرودگاه دبی می‌بینید. اگر از لنز دوربین‌های روابط عمومی فاصله بگیرید و به آمارهای منتشر شده در محافل اقتصادی مستقل عربی و گزارش‌های پشت‌پرده مراکز مطالعاتی در بیروت و دوحه نگاهی بیندازید، با واقعیتی هولناک روبه‌رو می‌شوید: این شهرِ شیشه‌ای، بر روی پی‌ریزی سستی از بدهی، فساد و استثمار بنا شده است.

اقتصاد امارات، به ویژه در مدل دبی، نه یک اقتصاد «تولیدمحور» است و نه یک اقتصاد «دانش‌بنیان»؛ بلکه یک «اقتصاد ویترینی» است که تنها مأموریتش جذب سرمایه‌های فراری و پول‌های بی‌شناسنامه از سراسر جهان است تا حباب بزرگ مسکن و بورس خود را باد نگه دارد. بسیاری از تحلیل‌گران مستقل در جهان عرب، از جمله نویسندگان روزنامه «القدس العربی»، بارها هشدار داده‌اند که آنچه در امارات اتفاق می‌افتد، یک «طرح پانزی» در مقیاس ملی است. در این مدل، شما مدام باید سرمایه‌گذار جدید جذب کنید تا بتوانید سود سرمایه‌گذاران قبلی را بپردازید، و به محض اینکه این جریان ورودی کُند شود، کل سازه فرو خواهد ریخت.

سوال اساسی اینجاست: کشوری که هیچ زیرساخت صنعتی جدی ندارد، با بحران کم‌آبی دست‌وپنج نرم می‌کند و تمام مایحتاج زندگی‌اش را از سوزن تا هواپیما وارد می‌کند، چگونه می‌تواند مدعی یکی از بالاترین نرخ‌های رشد در جهان باشد؟ پاسخ در یک «سه‌گانه سمی» نهفته است: بدهی‌های نجومی پنهان، تبدیل شدن به بهشت پول‌شویی برای مافیاهای بین‌المللی و تکیه بر نیروی کاری که در شرایطی مشابه برده‌داری نوین به کار گرفته می‌شوند.

ویدیو



